

Contents

۱	خارج اصول. بررسی سخن محقق نائینی در دلالت های سه گانه. جلسات ۲۰-۱۹/۷/۱۴۰۱
۱	مقدمه ای از مرحوم نائینی
۱	دلالت تصویری
۲	دلالت تصدیقیه
۳	دلالت تصدیقیه اولی
۴	دلالت تصدیقیه ثانیه:
۶	وجود اشتراک و افتراق دلالت تصدیقیه اولی، تصدیقیه ثانیه و دلالت تصویری

باسمه تعالی

خارج اصول. بررسی سخن محقق نائینی در دلالت های سه گانه. جلسات ۲۰- ۱۴۰۱/۷/۱۹

بحث ما در خروج عناوینی مانند تخصص و ورود و حکومت و تخصیص از دائره تعارض بود.

در مورد عام و خاص و مطلق و مقید امروز بحث می شود.

مرحوم شیخ اعظم ره جمله ای دارد که ان شالله بعدا خواهد آمد. محقق نائینی ره هم شرحی بر این عبارت رسائل دارد و می فرماید این عبارت خالی از دقت نیست و بسیاری در فهم عبارت رسائل دچار اشتباه شدند. محقق نائینی در تقریرات فوائد الاصول ایشان که به قلم مرحوم شیخ محمد علی کاظمی است در جلد چهارم ص ۷۱۶ به بعد در توضیح عبارت شیخ و توضیح مبنای مختار خودشان در تبیین حقیقت تخصیص و وجه خروج آن از عنوان تعارض، مطالبی دارند که مبتنی بر مقدمه ای است که این مقدمه هم در این بحث و هم در مباحث دیگر مفید فائده است.

لذا موضوع بحث امروز ما عبارت از بیان محقق نائینی در وجه خروج تخصیص از عنوان تعارض و به تعبیر دیگر در وجه تقدیم خاص بر عام است.

مقدمه ای از مرحوم نائینی .

دلالت تصویری

أَنَّ لِكُلِّ كَلَامٍ صَادِرٍ عَنْ كُلِّ مُتَكَلِّمٍ دَلَالَةً تَصَوُّرِيَّةً وَ دَلَالَةً تَصَدِيقِيَّةً.

هر سخنی که از متکلمی صادر شود دو نحو دلالت در آن تصور می شود:

۱- دلالت تصویری است

۲- دلالت تصدیقیه.

أما الدلالة التصورية: فهي عبارة عن دلالة مفردات الكلام على معانيها اللغوية، فإن لكل كلمة من الكلمات التي يتركب منها الكلام ظهوراً في المعنى الموضوع له، و هو الذي يخطر في ذهن السامع عند اشتغال المتكلم في الكلام إذا كان السامع عالماً بالأوضاع.^۱

دلالت تصویری مربوط به تک تک واژه ها است. در دلالت تصویری ما با مفردات کلام تک به تک کار داریم. مفرداتی که ترکیب بین آنها جمله می سازد. این مفردات و تک تک واژه ها هر کدام معنای لغوی داشته و برای معنایی وضع شدند.

حال اگر کسی از این وضع اطلاع داشت، آشنا بود به معنای آن واژه تا آن واژه را از شخصی بشنود خود بخود ذهنش به آن معنا منتقل می شود. کافی است که آن سامع عالم به وضع یک لغت برای یک معنا باشد. همین که این لغت را بشنود چه بخواند یا نخواهد ذهنش به آن معنا منتقل می شود. حتی اگر آن گوینده این واژه را در حالت خواب یا بیهوشی بگوید در عین حال شنونده آشنا به آن زبان آن واژه از همان انسان خوابیده بشنود باز خود بخود ذهنش منتقل به آن معنا خواهد شد.

حتی بالاتر اگر این واژه را از یک حیوانی مثل طوطی بشنود که اراده و قصد گفتن ندارد یا حتی اگر این واژه را از یک دستگاه جامد بی اراده ای بشنود یا حتی اگر این لفظ از برخورد دو سنگ به وجود آید، ذهن سامع عالم به وضع، منتقل به آن معنا خواهد شد. در اینجا هیچ تفاوتی وجود ندارد که گوینده بچه یا بزرگ باشد. با هوش یا بی هوش باشد خود گوینده عالم به وضع باشد یا نباشد. اسم این را دلالت تصویری می گذارند.

دلالت تصدیقیه

و أما الدلالة التصديقية: فتطلق على معنيين:

أحدهما: دلالة جملة الكلام على ما هو المتفاهم منه عند أهل المحاورات، و هو الذي يقع في جواب السؤال عما قاله المتكلم، فيقال: كذا و كذا، و ثبوت هذه الدلالة للكلام يتوقف على فراغ المتكلم عنه، فإنه لا يصح السؤال و الجواب عما قاله المتكلم مع اشتغاله بالكلام، إذ للمتكلم أن يلحق بكلامه ما شاء من القرائن و المقيدات و المخصصات في حال اشتغاله بالكلام، فلا ينعقد لجملة الكلام ظهور إلا بعد فراغ المتكلم عن كلامه، فينعقد لكلامه ظهور فيما له من المعنى العرفي بحسب ما جرت عليه طريقة المحاورات، فقد يكون الظهور العرفي لجملة الكلام

^۱ نائینی، محمد حسین، فوائد الأصول ج ۴؛ ص ۷۱۶ - قم، چاپ: اول، ۱۳۷۶ ش.

مطابقاً لظهور مفردات الكلام إذا لم يحتفّ به قرينة المجاز أو التقييد و التخصيص، و قد يكون ظهور الجملة مخالفاً لظهور المفردات إذا احتفّ بالكلام أحد هذه الأمور.^۲

دلالت تصدیقه که پس از دلالت تصویریه است به دو معنا اطلاق می شود:

۱- معنای اول این است که ما اگر بپرسیم متکلم در این جمله چه گفت؟ ماذا قال المتكلم؟ می شود دلالت تصدیقه اولی.

۲- دلالت تصدیقه ثانیه که در پاسخ این پرسش واقع می شود ماذا اراد المتكلم؟

دلالت تصدیقه اولی

اگر سؤال کردند که متکلم چه گفت؟ جواب دلالت تصدیقه اولی است. در دلالت تصدیقه اولی ما با تک تک واژه ها روبرو نیستیم. (بر خلاف دلالت تصویریه که با تک تک واژه روبرو هستیم) در اینجا با مجموع کلام روبرو هستیم.

مثلاً در مثال ضرب زید، ضَرَبَ یک معنای تصویریه دارد، زید هم همین طور. اما وقتی در قالب یک مجموعه ای همراه با یک نسبت قرار گرفت می گوییم آن شخص چه گفت؟ گفته می شود: قال ضرب زید.

در این جا متکلم می تواند قرائنی متصل به کلامش بیاورد. مقیداتی متصل به کلامش بیاورد مخصّصاتی متصل به کلامش بیاورد تا وقتی گوینده اشتغال به تکلم دارد می تواند قرائن متصله مقید، متصل، و مخصّص متصل در جمله اش اضافه کند.

لذا تا وقتی سخن تمام نشده، تا وقتی کلام منعقد نشده تا وقتی آن جمله با تمام قرائن و مقیدات و مخصّصات متصله پایان نپذیرفته نمی توانیم دقیقاً بگوییم گوینده چه گفت. وقتی می توانیم پاسخ صریحی بدهیم که گوینده چه گفت که کلام تمام شود. و متکلم از تکلم فارغ شود.

در اینجا غیر از آن ظهور اولیه وضعیه که همان دلالت تصویریه بود ظهور دومی به وجود می آید. اینجا سخن از تصدیق است. دیگر نباید کسی را که خواب یا بیهوش است تصور کنیم. در خواب و بیهوشی بجز دلالت وضعیه چیزی نداریم. در متکلم عاقل و با شعور است که بحث دلالت تصدیقه مطرح می شود. وقتی گوینده با شعوری گفت: اکرم العلماً لا زیداً. در اینجا اکرام همه مگر زید لازم است.

^۲ همان، ج ۴، ص: ۷۱۷

گاهی گوینده می گوید: رایت اسداً یرمی. کلمه یرمی را می آورد و گاهی می گوید: رایت اسداً. چیز دیگری نمی گوید. اینجا چون چیز دیگری نگفت می گوییم مرادش شیر درنده است. اگر رجل شجاع مرادش بود می گفت باید یرمی می گفت.

در اینجا دلالت تصدیقیه اولی با دلالت تصویریۀ منطبق است. زیرا اسد وضع شده است برای حیوان مفترس این فرد هم بدون قرینه گفت اسدی دیدم. اما اگر گفت رایت اسداً یرمی. دیگر دلالت وضعیه تصویریۀ واژه اسد با دلالت تصدیقیه مطابقت ندارد زیرا اینجا آنچه که گفت رجل شجاع بود نه حیوان مفترس. (به قرینه یرمی). در مثال اول اگر گفت اکرم العلما و هیچ استثنایی و تخصصی نداشت می گوییم العلما از نظر دلالت تصویریۀ وضعیه یعنی همه علماء. در این جا هم دلالت تصدیقیه اولی یعنی همه علما بدون استثناء با دلالت وضعیه تصویریۀ منطبق و هماهنگ است.

اما اگر گفت اکرم العلما الا الفساق، در اینجا دیگر بین دو دلالت تصویریۀ با دلالت تصدیقیه تطابق و هماهنگی نیست. زیرا دلالت وضعیه، همه علماء بود اما به قرینه الا الفساق که مخصّص متصل است اگر به من بگویند:

ما ذا قال المتکلم می گویم: آنچه که متکلم گفت لزوم اکرام علما غیر فاسق است.

ظهور لفظ علماء، لزوم اکرام همه علما بود اما ظهور جمله به دلیل قرینه متصله اکرام علما غیر فاسق است. لذا آنچه را که پس از تمام شدن جمله به ذهن مخاطب می آید که وقتی از او بپرسند ماذا قال المتکلم؟ نام آن دلالت تصدیقیه اولی است.

در دلالت تصدیقیه اولی:

- ۱- باید متکلم عاقل باشعور غیر نائم و غیر بیهوش را تصور کنیم.
 - ۲- هنوز جمله او به پایان نرسیده، نباید بگوییم قال کذا و کذا. هنوز قرائن متصله مقیدات و مخصصات متصله به پایان نرسیده باشد نباید بگوییم قال کذا و کذا. لذا ثبوت دلالت تصدیقیه اولی متوقف بر فراق متکلم از تمام کلام خودش با تمام قرائن متصله و منفصله است.
 - ۳- در دلالت تصدیقیه اولی باید متکلم عاقل باشعور با قصد گفتن تصور کنیم تا بگوییم ماذا قال .
- آنچه تا کنون مطرح شد توضیح دلالت تصویریۀ (که نام دیگرش دلالت وضعیه است) و نیز توضیح دلالت تصدیقیه اولی بود که نام دیگرش دلالت استعمالیه است.

دلالت تصدیقیه ثانیه:

ثانیهما: دلالة الکلام علی إرادة المتکلم مؤداه و أنّ مفاده العرفی هو المقصود من إلقاء الکلام، و هذا المعنی من الدلالة هی التي تقع فی جواب السؤال عما أراد المتکلم من کلامه فیقال: أراد کذا و کذا، فقد یصحّ الجواب عن

السؤال بأنّه أراد ما يكون الكلام ظاهراً فيه بحسب المحاورات العرفيّة إذا لم يعتمد المتكلم على القرائن المنفصلة،
٣

ما گاهی می پرسیم متکلم چه گفت؟ این پاسخی است که مربوط می شود به دلالت تصدیقیه اولی. در جواب می گوییم قال کذا و کذا.

روشن شد برای اینکه جواب صحیحی بدهیم باید منتظر بمانیم تا جمله او با تمام قرائن متصله با تمام مقیدات و مخصصات متصله به پایان برسد تا جواب صحیحی به این پرسش بدهیم و بگوییم کذا و کذا.

اما گاهی می پرسند ما ذا اراد المتکلم؟ قصد گوینده از این کلام چه بود این دلالت تصدیقیه ثانیه می شود. یعنی آنجا که بخواهیم این پرسش را پاسخ دهیم ما اراد المتکلم؟

همواره لزوماً ما قاله المتکلم منطبق بر ما اراد المتکلم نیست. گاهی سخنی از متکلم شنیده می شود می دانیم ما قاله چیست اما آیا این سخن را به جدّ گفته است یا به مزاح؟

از روی سخریه و استهزاء بیان کرده یا قصد جدی داشته است؟

آیا این سخن را به انگیزه امتحان گفته یا واقعا و جدا اراده کرده است؟

آیا وقتی می گوید ضرب زید عمرواً می خواهد از واقعیتی جدی حکایت کند یا خیر؟ می خواهد زبان آموزش دهد! فاعل و مفعول مشخص کند و قصد جدی ندارد.

در جملات انشائی اگر گفت جئنی بماء آیا آب خواسته یا امتحان است؟

در جملات انشائیه استفهامیه و یا جملاتی که به انگیزه ترجی و ترقب گفته شده است واقعاً این ترجی مثلاً مقصود اوست اگر می گوید لیت الشباب يعود لنا یوماً آیا واقعا این امید را دارد؟ یا قصد جدی بی اعتباری دنیااست؟!

ایا آن متکلم عاقل و با شعور و با قصد اراده جمله ای را گفت آن قصد و اراده جدی است یا غیر جدی؟

در روایات ما اگر حدیثی از امام (س) مشاهده کردیم آیا ما قاله الامام عین ما اراده الامام است؟

آیا دلالت تصدیقیه اولی با دلالت تصدیقیه ثانیه منطبق است؟

اینجاست که غیر از دلالت وضعیه تصویری و غیر از دلالت تصدیقیه اولی که نام دیگرش دلالت استعمالیه بود سخن از یک دلالت دیگر است و آن دلالت تصدیقیه ثانیه است که از آن به عبارت دیگر به دلالت جدیه تعبیر می شود در دلالت تصدیقیه اولی و دلالت تصدیقیه ثانیه شباهتی هست اما افتراق هم بین و آشکار است.

٣ نائینی، محمد حسین، فوائد الأصول - ج ٤؛ ص ٧١٧ قم، چاپ: اول، ١٣٧٦ ش.

وجه اشتراک و افتراق دلالت تصدیقیه اولی، تصدیقیه ثانیه و دلالت تصویری

در وجه اشتراک دلالت تصدیقیه اولی و ثانیه می توان گفت که در دلالت تصدیقیه اولی و ثانیه بر خلاف دلالت تصویری باید متکلم عاقل با شعوری را تصور کنیم.

ولی فرقی بین دلالت تصدیقیه اولی (استعمالیه) با دلالت تصدیقیه ثانیه (جدیه) است. و آن اینکه در دلالت تصدیقیه اولی، باید منتظر قرائن لفظیه متصله می بودیم و هیچ دخلی برای قرائن منفصله در دلالت تصدیقیه اولی نیست. بخلاف دلالت تصدیقیه ثانیه که پس از تمام شدن دلالت اولی پس از آن که دیدیم قرائن متصله نیست باید منتظر باشیم که آیا قرائن منفصله هست یا خیر؟ آیا مقیدات منفصله هست یا خیر؟

ایا مخصصات منفصله هست یا خیر؟ در اینجا است که اگر فحص و جستجو کردیم به قرینه منفصله ای دست رسی پیدا نکردیم اگر فحص و جستجو کردیم به مخصص متصل یا مقید منفصلی دست پیدا نکردیم می گوئیم مراد جدی اش مطابق با مراد استعمالی اش است. در اینجا است که اگر مخصص و مقید و قرینه منفصله ای پیدا نکردیم می گوئیم اراد المتکلم ما قاله. یعنی پس از فحص و عدم دسترسی به مخصص و مقید منفصل می گوئیم تطابق بین اراده استعمالی و جدیه هست.

پس از آنکه به قرینه منفصله و مخصص منفصل و مقید منفصل دسترسی پیدا نکردیم می فهمیم دلالت تصدیقیه ثانیه یعنی جدیه همان دلالت تصدیقیه اولی یعنی استعمالیه است. لذا اگر مولا گفت:

اکرم العلماء و متصلاً استثنائ و تخصیصی نزد، گفتیم ما قاله عبارت از لزوم اکرام همه علما است. حال که فحص شد اگر به قرینه و مقید و مخصص منفصلی دسترسی پیدا کردیم که گفت لا تکرّم الفساق من العلماء. اینجا می بینیم مراد جدی متکلم علما غیر فاسق است در حالیکه مراد استعمالی اش همه علما بود. می گوئیم از این مخصص و مقید و قرینه منفصله کشف می کنیم که بین دالتین تصدیقیه اولی و تصدیقیه ثانیه تطابق نیست. مراد جدی غیر از مراد استعمالی است.

اگر جستجو کردیم به قرینه منفصلی خاص، منفصلی به مقید منفصلی، جداگانه و منفصلاً دسترسی پیدا نکردیم می گوئیم ما اراده عین ما قاله بلا تفاوت اصلاً.

در گوینده های معمولی (غیر از روایات) شما یک اصل دارید و آن اصل این است که ما بنا را بر تطابق دالتین می گذاریم مگر خلافتش بر ما ثابت شود در محاورات عرفیه که معمولاً گویندگان کمتر به قرائن اعتماد می کنند ما این اصل تطابق بین دالتین را داریم اما در روایات چه باید گفت بعداً مطرح می شود.

والسلام علیکم ورحمه الله

حسین مقدس

